

# مگس‌ها

## ماریانو آسوئلا

ترجمه

وازریک درساهاکیان

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۸

## فهرست

- ۱ یادداشت مترجم  
۳ سخنی چند دربارهٔ مگس‌ها و نویسنده‌اش  
۹ نگاهی به تاریخ معاصر مکزیک

### مگس‌ها

- ۲۴ شخصیت‌ها  
۲۷ ۱ هراس  
۴۱ ۲ زنده باد فرماندار!  
۴۹ ۳ مرغان شب  
۵۹ ۴ تولد دوباره  
۷۱ ۵ قربانی انقلاب  
۷۷ ۶ ژنرال  
۸۵ ۷ عقب‌نشینی  
۹۹ ۸ جناب وزیر!  
۱۰۵ ۹ برخورد ناخوشایند  
۱۱۵ ۱۰ آدم‌های محترم  
۱۲۳ ۱۱ نمود انرژی  
۱۳۵ ۱۲ اسکناس وی‌یا  
۱۴۵ ۱۳ مادر قهرمان  
۱۵۱ ۱۴ پرده

## نگاهی به تاریخ معاصر مکزیک

### مقدمه

حدود بیست سال پس از پیاده شدن کریستف کلمب بر خاک «جهان نو» (ینگه دنیا) در ۱۴۹۲، امپراتوری آستک<sup>۱</sup> به دست نیروهای اشغالگر اسپانیایی به فرماندهی ارنان کورتس<sup>۲</sup> سرنگون شد و سرزمین ثروتمند مکزیک به اشغال اسپانیا درآمد. فاتحان که غنیمت‌های بسیار به دست آورده بودند، خود نصیب چندانی نبردند و، از این رو، با ایجاد نظام استعماری خود به بهره‌کشی از بیگاری سرخپوستان بومی پرداختند.

سرزمین مستعمره، سرچشمه مواد خام برای «کشور مادر» بود. همه چیز به اسپانیا فرستاده می‌شد و کالاهای ساخته اسپانیا در بازار مستعمره به فروش می‌رسید. «اسپانیای نو» مستعمره ارزشمندی بود. بیش از هر نقطه‌ای در جهان آن روز نقره - و مقداری هم طلا - تولید

۱. Aztec؛ طایفه قدرتمندی از سرخپوستان امریکای مرکزی که از سده سیزدهم میلادی بر سرزمین مکزیک حکومت می‌کرد. - م.

2. Hernan Cortez (1485-1547)

می‌کرد. قرمزدانه<sup>۱</sup>، شکر، وانیل، پوست، و کاکائو - برای تولید شکلات - از دیگر موادی بود که به اسپانیا فرستاده می‌شد.

دهقانان سرخپوست و سیاهپوست و دورگه به کشاورزی مشغول بودند و اجازه نداشتند در رشته‌های خاص سفیدپوستان (و به‌ویژه بازرگانی) فعالیت کنند.

کلیسای کاتولیک نیز، از سوی دیگر، قدرت قاهری بود که با رسالت گسترش دین، در سایه «صلیب و کتاب» غارت می‌کرد. شاه اسپانیا تولید پاپ را داشت و بنابراین هر ستم و چپاولی به بهانه عملی ساختن «دستورات الهی» موجه بود.

طی دهه‌های نخستین، سرخپوستان اکثریت قاطع جمعیت مکزیک را تشکیل می‌دادند، اما در اثر شیوع بیماری‌های کشنده اروپایی و کشتارهای بی‌رحمانه گروهی، شمار آنان سخت کاهش یافت. یک سده پس از فتح مکزیک، عده بومیان از ۲۵ میلیون به یک میلیون رسید، و شمار اسپانیایی‌ها طی ۳۰۰ سال به ۳۰۰,۰۰۰ بالغ شد.

در پی آمیزش مردان سفیدپوست اروپایی با زنان سرخپوست و سیاهپوست (که به‌صورت برده به آمریکا برده شدند) نژادهای دورگه‌ای به‌وجود آمد که اولی «مستیسو<sup>۲</sup>» و دومی «مولاتو<sup>۳</sup>» نامیده شد. سفیدپوستان اسپانیایی تبار (پنینسولارس<sup>۴</sup>) نه تنها این نژادها، بلکه

۱. رنگیزه قرمز طبیعی که از جسد ماده حشره‌ای از جنس کرمس-ایلیکیس استخراج می‌شود، این حشره به‌صورت انگل روی شاخه‌های نوعی بلوط پیوسته سبز زندگی می‌کند... قرمزدانه از قدیم برای رنگرزی پشم و ابریشم مورد استفاده بوده است... (دایرةالمعارف فارسی).

2. Mestizos  
3. Mulattos

۴. Peninsulares؛ اهالی شبه‌جزیره ایبری.

اسپانیایی‌های متولد مکزیک (کریول‌ها<sup>۱</sup>) را نیز پست‌تر از خود می‌پنداشتند و معمولاً بهترین مقام‌های دولتی و کلیسایی را خود در اختیار می‌گرفتند.

در سال ۱۸۱۰، ۶۰ درصد مردم «اسپانیای نو» سرخپوست، ۱۸ درصد سفیدپوست (از جمله ۵/۳ درصد سفیدپوست اسپانیایی تبار)، ۵/۲ درصد سیاهپوست، و ۲۲ درصد بقیه از نژادهای مختلط (دورگه) بودند - از جمله نژاد «سامبو<sup>۲</sup>» که از اختلاط سرخپوست و سیاهپوست به‌وجود آمد.

### جنبش استقلال

ظلم و ستم نظام استعماری - نژادی اسپانیا بر اهالی مستعمره، طی سه سده دامنه بسیار یافت. نمونه‌ها و رویدادهای مستعمره‌های دیگر، که در برابر استعمارگران به پا خاسته بودند، سرانجام مستعمره‌نشینان مکزیک را نیز به قیام واداشت. حمله ناپلئون بناپارت به اسپانیا و اشغال آن کشور به سال ۱۸۰۸ از جمله انگیزه‌هایی بود که نهضت استقلال‌خواهی را در مکزیک تسریع کرد.

اسپانیایی‌های متولد مکزیک (کریول‌ها) نیز زیر ستم بودند و حق تصمیم‌گیری در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود را نداشتند. اقتصاد یکسر در خدمت اسپانیا و به زیان بازرگانان مستعمره‌نشین بود.

در این حال، میگل ایدالگو<sup>۳</sup>، کشیش لیبرالی که تحت تأثیر عصر روشنگری اروپا و انقلاب فرانسه بود، در سپتامبر ۱۸۱۰ مردم را به قیام مسلحانه خواند. به‌زودی گروه‌های چریکی در سراسر مکزیک

1. Criollos (Creole)  
2. Zambo  
3. Miguel Hidalgo (1753-1811)